

# زن ایرانی

## نه ضعیفه است و نه

### از صحنه بیرون خواهد رفت

م. فیروز

به روزهای نخست زندگی حزب توده ایران بنگریم. روزهایی که حزب توده ایران از زنان نیز مانند کسانی که همدریف و همپای مردانند دعوت کرد به صفوف مبارزان بپیوندد و وظیفه انسانی و مادری خود را در برابر مردم کشورشان انجام دهند.

راست است که در گذشته هم حزابی بودند که این حق را به زنان داده بودند، اما پس از سال‌های سال توهین و فشار، این حزب توده ایران بود که بار دیگر ندا در داد که زن و مرد، در همه شئون اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی باید از حق مساوی برخوردار شوند. این افتخار برای حزب توده ایران بوده و خواهد بود که زن‌ها را به مبارزه دعوت کرد، به آنها با دیده احترام نگرست و آن‌ها را برابر مردان شمرد، وعده‌های پر زرق و برق دروغین به آن‌ها نداد، از همان آغاز دشواری راه را نشان داد و این گفته لنین را یادآور شد که: "مرگ بر این دروغ تهوع آور، "مساوات" در میان ستمگر و ستمکش، استثمارگر و استثمار شده نموده و نخواهد بود، آزادی واقعی نبوده و نخواهد بود، تا روزی که زن از زیر بار امتیازاتی که قانون به مرد داده آزاد نشود، تا آن زمان که کارگر از یوغ سرمایه‌داری خلاصی نیابد، تا آن روزی که روستاییان زحمتکش از یوغ سرمایه‌داری وکلان مالکان و تجار بزرگ رهایی نیابند. بگذاریم دروغگوها، ریاکاران، بی‌شعور‌ها و کورها، بورژواها و طرفدارانشان مردم را گول بزنند و به آنها درباره آزادی به طور کلی، مساوات به طور کلی و دموکراسی به طور اعم سخن بگویند."

زنان ایران با شگفتی، ناباوری، با شک و تردید به این فراخوان حزب می‌نگریستند. مگر نه این بود که آنها را ضعیفه می‌نامیدند، مگر نه این بود که در قانون اساسی ایران آن‌ها را در ردیف مجانین و صغار گذاشته بودند، مگر نه این بود که بار سنگین زندگی و کار را بر دوش داشتند، اما خود حاشیه نشین سفره گسترده زندگی بودند و با اینکه آنها را ناقص العقل می‌خواندند، از آنها مدبرانه ترین و دشوارترین وظایف را می‌خواستند، مردانی برومند و آگاه برای جامعه تربیت کنند. زنان هم این وظایف را با فداکاری انجام می‌دادند، گرچه در هر قدم ابتدایی ترین حقوق انسانی آن‌ها پایمال می‌شد. مگر نه این‌ها مادرانی بودند که در ادبیات مقامشان را به عرش می‌رساندند و اما در زندگی واقعی فقط وسیله زاییدن و یا ارضاء شهوت و خدمتگذاران بی‌ارج و رایگان بودند و نسبت به کودکانی که خود به وجود آورده و پروده بودند از هر بیگانه‌ای بیگانه‌تر به حساب می‌آمدند. نقش ارزنده و شگرف زنان در تاریخ مبارزات مردم یا به کلی مسکوت می‌ماند و یا گوشه‌هایی از آن به عنوان سند تاریخی عرضه می‌شد و احياناً برخی زنان را موجودات استثنایی می‌دانستند. روحیه قوی زنان و ایستادگی و گذشت آن‌ها که همیشه و نسل اندر نسل وجود داشته و دارد، مورد توجه قرار نمی‌گرفت. تا زمانی که در صحنه به درد می‌خوردند تجلیلی از آن‌ها می‌شد، وگرنه با اهانت و خاری به کنار اجاق رانده می‌شدند و همانجا در زنجیر می‌ماندند.

اما زنان و مادران ستم دیده و کوفته از درد و رنج و خمیده در زیر بار وظایف سنگین زندگی روزانه و کار بی‌اجر، قد راست کردند، امیدوار شدند، و به حزب توده ایران روی آوردند؛ در آغاز تک‌تک و با هراس - چه، رسوم و آداب کهن، بندهای خانوادگی، بی‌سوادی، بی‌خبری از جریانات دنیایی و عدم آگاهی کامل نسبت به حقوق قانونی که حتی در ایران با همان شرایط اجتماعی می‌توانستند داشته باشند، مانع آن‌ها می‌شد.

**چند دهه** از آن روزها می گذرد که عده انگشت شماری زن با ناباوری، شرمگین و سر در جبین، رو به این اجتماع مردان آوردند و کوشیدند به مفهوم دعوت حزب پی ببرند و آن را با محک تجربه بیازمایند. آن ها به این نتیجه رسیده بودند که با استقبال از فراخوان حزب، راه رسیدن به حقوق خود را برگزیده اند.

در نخستین کنگره حزب توده ایران به تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۲۳، گروهی از زنان به قصد تسلیم پیام تبریک شرکت کردند. زنی در میان اعضاء کنگره نبود. به زنان تبریک گو اجازه داده شد که از تریبون کنگره نه تنها شادباش خود را تقدیم کنند، بلکه خواست های خود را هم عرضه بدارند. نخستین خواست آن ها این بود که در این خانه بزرگ که نامش ایران است، زنان نیز حقوقی داشته باشند؛ حق انسانی، حق مادری، حق شرکت در تعیین سرنوشت و سیاست و غیره.

این نخستین بار در تاریخ مبارزات ایران بود که در جلسه ای رسمی زنان آزادانه توانستند خواست های خود را مطرح سازند.

جو سیاسی و محیط اجتماعی آن روز به اندازه ای آغشته با خرافات و تعبیرات نادرست از موازین قانونی و مذهبی بود که حتی حزب توده ایران هم در سال های اول زندگی خود نتوانست این ماده از اساسنامه خود را عملی سازد و زنان را رسماً به صفوف خود بپذیرد.

مبارزه برای کسب حقوق زنان در دو جبهه آغاز شده بود؛ در جبهه دوستان که آماده پذیرش آن ها بودند اما از اتهامات بیم داشتند، در جبهه وسیع جامع □ ایران.

حزب توده ایران هر کجا که زنان به حق دست به مقاومت و ایستادگی می زدند از آنان پشتیبانی می کرد و با نهایت جدیت هر اقدامی را که نمایانگر فشار بر زن و پایمال شدن حق او بود افشاء می نمود. مخبرین حزب و خود زنان از همه جا گزارشاتی می فرستادند و از همین جا برای نخستین بار بر ملا شد که به جای حیوان از زنان برای شخم زدن استفاده می شود و یا دختران را در اثر فقر می فروشند.

بتدریج نقش زنان در روستاها، کارگاه ها و کارخانه ها روشن گردید و پرده از روی اجحافات برداشته شد. وضع نابسامان بهداشت و مرگ و میر کودکان در نتیجه نداشتن ابتدایی ترین امکانات، به گوش همه رسانده شد. حزب توده ایران نقش بزرگ زنان را در امور اقتصادی و تولید ثروت در ایران را روشن کرد و این افسانه منحوس و موهن را که زن زائده، وابسته، بی ثمر و بی عرضه است، از اعتبار ساقط کرد.

همین افشاگری ها، برخورد آرا، و نظریات روشن بود که زنان را ترغیب به مبارزه در صفوف حزب کرد و خود آن ها هم فعالانه در امر مبارزه برای احقاق حقوق خود و افشای ستم و استثمار که دیگر سنتی و عادی شمرده می شد، سهمی بر دوش گرفتند.

با همه نشیب و فرازها، آرمان ها و نظریات حزب توده ایران در میان توده زن ایرانی رفته رفته راه می یافت و اثر لازم را می گذاشت. زنان می شنیدند که حقوقی باید داشته باشند. در سراسر ایران، در روستاها و شهرها کلمه "حقوق زن" بر زبان ها جاری شد. این خود گامی بسیار موثر و عمیق بود.

زنان به طور کلی به علت زندگی بسته و وابسته ای که دارند شب و روز در محیط تنگ خانوادگی سر می کنند، این نوع فراخوان ها و روشنگری ها را به کندی درک می کنند و در آغاز هم هراس دارند، زیرا تهدید جدایی از خانواده و به خصوص از دست دادن کودک، سرپناه و امکان امرار معاش، آن ها را بنده وار به خانه و اجاق زنجیر کرده است. پذیرش هرگونه وعده و امیدی که برخلاف روند زندگی عادی و روزان □ خود او، مادر و مادر بزرگ و ده ها پشت او و اطرافیان او است، کاری بسیار دشوار است. اما زن آنگاه که دانست و فهمید، می پذیرد و با واقع بینی و نگرش بسیار درستی هم به این وضع نظر پیدا می کند و عمل می نماید. برای زن زحمتکش و کارگر نیز درک این مسائل که پیوند عمیقی با زندگی روزانه و ناکامی های او دارد، به مراتب آسان تر است. به همین دلیل هم زنان این

قشرها خیلی زودتر راه را دیدند و مبارزه را پذیرفتند و "بردگی زن ناشی از نظام تولیدی امروزی، یعنی سرمایه داری است" (کلارا تستکین)، و حزب توده ایران هم این اصل را همیشه به روشنی مطرح کرده و می کند و این ادعا را رد می نماید که "می توان حقوق مساوی برای زنان به دست آورد و به آن ها قبولاند که شرایط زندگی آن ها می تواند عمیقاً تغییر کند. بی آن که شکل تولید سرمایه داری تغییر یابد. این کار یعنی گمراه کردن و به بن بست راندن آن ها".

این طرز مقابله با مشکلات و کاستی ها، یعنی پرده پوشی نکردن، دشواری ها را صریح نشان دادن و به سرابی نفریفتن زنان، از مفاخر حزب توده ایران بوده و خواهد بود.

## زنان در حزب توده ایران

زنان که دیگر به عضویت حزب درآمده بودند، به چشم خود می دیدند که در جلسات حزبی، در حوزه ها و در کنفرانس ها مانند دیگر اعضاء یعنی مردان، می توانند اظهار نظر کنند، بحث نمایند و نظر درست خود را بقبولانند، و همین کار به آن ها اعتماد به نفس داد و شخصیت آن ها را استحکام بخشید. زنان را نه تنها به عضویت پذیرفتند، بلکه مسئولیت هم به آن ها داده شد و در مقابل، فعالیت و کار پر ثمر از آن ها خواسته شد. مسئولیت در سراسر بدنه حزب میان زن و مرد یکسان تقسیم شد. البته ادعا نمی کنیم که مثلاً نیمی از مسئولین حزب زن بودند و نیمی دیگر مرد، و یا زنان در همه جا همپای مردان بودند. این ادعا نادرست است و با وضع اجتماعی ایران هم مطابقت ندارد. به چند دلیل:

نخست این که تعداد زنانی که در شرایط آن روز می توانستند این آزادی را داشته باشند که در کارهای اجتماعی شرکت کنند، بسیار کم بود و چه بسا آن هایی هم که دل به دریا زده و آمده بودند، در خانواده گرفتار هزاران مشکل بودند.

دوم آن که خود مردان هم هنوز عمیقاً به این امر اعتقاد پیدا نکرده بودند. طرز تفکر مردان تفکری محافظه کارانه و بر پایه آداب و سنن نادرست بود. هر اندازه هم که این مردان مترقی بودند، نمی توانستند و نمی خواستند بپذیرند که زن می تواند همپای آن ها در مبارزات شرکت کند، و چه بسا که در گفتار از شرکت زنان در مبارزه بسیار تحسین و تمجید می کردند، اما همین که پای افراد خانواده خود آن ها به میان می آمد، عقب گرد می کردند. زنان بسیاری از مبارزات مرد خانواده، چه پدر و چه شوهر، پشتیبانی می کردند، اما همین که خود آن ها تصمیم به شرکت در حزب و یا سازمان های وابسته می گرفتند، با جارو جنجال روبرو می شدند و اکثراً مسائل "خانه" و "کودک" و نحو □ برخورد جامعه بهانه قرار می گرفت.

خواست و انتظار برخی زنان در آن روز عجولانه و شاید تا حدودی هم نادرست بود، و حتی امروز هم پ این مسائل وجود دارند، زیرا ریشه های عمیق اجتماعی دارند.

موضوع روابط زن و مرد در ایران موضوعی است که نه آن موقع و نه امروز هنوز حل نشده است. اکثریت زنان از نقطه نظر اقتصادی وابسته هستند و این است که بی صبری و توقع زیاد از سوی زنان، نمی توان گفت نادرست است، بلکه باید گفت عجولانه نباید باشد.

با همه مشکلات، زنان در کنفرانس های حزبی شهرستان ها و تهران به عنوان نماینده شرکت نمودند و به نمایندگی کنگره دوم هم (به تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۲۷) انتخاب شدند. در آن شرایط این خود گام بسیار بزرگی بود. یگانه سازمان سیاسی در سطح کشور زنان را در عالی ترین جلسه خود همپای مردان شرکت داد، حزب توده ایران بود. نه تنها زنان در این کنگره شرکت کردند، بلکه کنگره یکی از زنان نماینده را به سمت عضو مشاور کمیته مرکزی انتخاب کرد.

تصمیم بر شکستن این سد، هم قدرت می خواست و هم بی باکی، به خصوص در آن روزها که حزب توده ایران آماج همه گونه تهمت و بهتان بود و موضوع زن به خصوص در جامع □ آن روزی ایران بهترین وسیله برای ایجاد توهنات، افتراها و لجن پاشی ها می توانست باشد حزب توده ایران این جرات را داشت که "زن" را شایسته هرگونه مقامی بداند و به او مسئولیت سیاسی بدهد.

حزب توده ایران اندک اندک موفق شده است در میان مردان عضو خود، این عقیده را به وجود آورد که به راستی تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و اگر زن مادر است، این دلیل بر آن نیست که عده ای او را از آموختن، از کار کردن و از بهره بردن از زندگی محروم سازند و او را به گوشه خانه برانند.

بسیاری از خانواده ها "سواد" را برای زن غیر ضرور و حتی نادرست می دانستند: دختر وقت این نوع کارها را ندارد؛ باید در خانه پدر زحمت بکشد، کار خانه را بیاموزد و هر چه زودتر به خانه "بخت" برود و در آن جا به آشپزی و بچه داری بپردازد.

حزب توده ایران با این وضع به مقابله برخاست، برای زنان در حوزه ها و جلسات، ساعات آموزش ترتیب داد و شعار "سواد برای همه" را تا آن جا که در توان داشت، عملی ساخت. حتی کلاس های سوادآموزی ایجاد گردید تا زنان الفبا را بیاموزند و بتوانند بخوانند و بنویسند. در جلسات کتب مختلف و مقالات روزنامه ها برای آن ها خوانده و توضیحات لازم هم داده می شد. کلمات "امپریالیسم" یا "دموکراسی" اگر امروز برای اکثر مردم ایران آشنا هستند، در آن روزها برای بیشتر مردم، بخصوص زنان، نامانوس بودند. ولی زنان عضو و هوادار حزب توده ایران به مفهوم این کلمات پی بردند و بسیار جالب و دیدنی بود، هنگامی که زنان کارگر و یا وابسته به خانواده کارگری، در بحث های روزانه این کلمات را به کار می بردند و معانی آن ها را برای دیگران توضیح می دادند.

علاوه بر سوادآموزی، بالابردن سطح معلومات عمومی افراد برای حزب بسیار ارزش داشت. زنان مانند مردان در کلاس های آموزشی شرکت می کردند و درباره اجتماع، اقتصاد، روابط سیاسی با کشورهای دیگر، تحولات گذشته و روزمره جهان بحث می کردند و باید گفت که زنان با شور و شوق بسیار به این امر می پرداختند.

در آن روزها برای زن در بحث سیاسی شرکت کردن، از الفبای اقتصاد سر در آوردن و یا معنای زیر بنا و استنمار را درک کردن، بسیار سنگین بود. این کار دشوار را حزب دنبال می کرد. دشوار از این جهت که نشریات کافی و خوب وجود نداشت. از یاد نباید برد که در آغاز کار، حزب توده ایران در این امر حیاتی، هیچ گونه امکانی در اختیار نداشت. ترجمه هایی که اندک اندک آغاز شده بود، هیچ گونه امکانی در اختیار نداشت. ترجمه هایی که اندک اندک آغاز شده بود، بسیار بد و حتی نامفهوم بودند. این راه دشوار می بایست طی می شد. حزب توده ایران با پشتکار چنین کرد، همان ترجمه های نارسا را غنیمت دانست، اراده و علاقه افراد هم در این زمینه کار را اندازه ای آسان می کرد.

زنان همانند مردان کوشش می کردند که بیاموزند تا بتوانند آموخته های خود را به نوبه خود در اختیار دیگران بگذارند و آنان را راهنمایی کنند. راست است که گاه برخورد به مسائل ابتدائی، نادرست و با چپ روی توأم بود. اما چگونه می توان راهی ناشناخته را آغاز کرد و طی نمود و با سختی ها روبرو نشد. اصل این بود که باید راه را هموار کرد و موانع را از جلو برداشت.

این موانع علیرغم همه حوادث و کارشکنی ها و مقاومت ها، در این سه دهه طی شده است. امروز دیگر بی شرمی است اگر کسی زن را ضعیفه بنامد. زن ایرانی در طی ده ها سال آن چنان قدرت روحی و جسمی و ایستادگی از خود نشان داد که این واژه های ننگین را از دامان خود زدود. دیگر امروز کسی نمی تواند به خود اجازه نمی دهد که آن ها را ناقص

العقل بشمارد و رای آن ها را در سیاست کشور نادیده بگیرد. در ایران دیگر نمی توان زن را از نوبه خانه ها راند. زن باید در صحنه بماند و خواهد ماند. ( این مطلب، بخش گزیده ایست از مقاله ای که نویسنده سالها پیش نوشته و در مطبوعات حزبی نیز انتشار یافته است.)

کتابخانه  
موزه  
پژوهش